

حدیث شیب

ریان بن شیب می‌گوید: در روز اول محرم به حضور حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شدم. آن بزرگوار به من فرمودند:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ الْمُحْرَمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيهَا مَضَى يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَ سَبَوْا نِسَاءَهُ وَ انْتَهَبُوا ثَقْلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا.»

ای پسر شیب! محرم، ماهی است که مردم جاهلیت در گذشته به خاطر حرمت این ماه، ظلم و کشتار را در آن حرام می‌دانستند، ولی این امت احترام این ماه و احترام پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را نشناخت! در این ماه فرزندان پیامبر خود را کشتند و زنان او را اسیر نمودند و اموال او را به یغما بردند. پس هرگز خداوند آنان را نیامرزد.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنْ كُنْتَ بَاكِئًا لَشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبٌ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعَثٌ غُبِرٌ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارِهِمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ.»

ای پسر شیب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی، برای حسین بن علی بن ابی‌طالب علیهما‌السلام گریه کن. چرا که آن حضرت ذبح شد همانگونه که گوسفند ذبح می‌شود و هجده مرد از اهل بیتش با او

شهید شدند که در زمین شبیه و نظیری نداشتند. و آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها برای قتل او گریستند. و چهار هزار فرشته برای یاریش به زمین فرود آمدند، ولی او را کشته یافتند. آن فرشتگان ژولیده مو و غبار آلود تا قیام حضرت قائم نزد قبر او خواهند بود. آن ملائکه از انصار حضرت قائم می‌باشند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» است.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ تَرَابًا أَحْمَرَ»

ای پسر شبیب! پدرم از پدرش از جد خود علیه السلام برایم نقل فرمودند که: هنگامی که جدم حسین علیه السلام کشته شد آسمان، خون و خاک سرخ بارید.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا»

ای پسر شبیب! اگر بر حسین علیه السلام به حدی گریه کنی که اشک‌هایت به گونه‌هایت رسد، خداوند تمامی گناهیانی که مرتکب شدی می‌آمرزد، چه کوچک باشد، چه بزرگ و چه کم باشد، چه زیاد.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ سُرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

ای پسر شبیب! اگر خوشنود می‌شوی که خداوند عزوجل را ملاقات کنی در حالی که گناهی نداشته باشی، پس حسین علیه السلام را زیارت کن.

^۱ - یعنی؛ ای طلب‌کنندگان خون حسین

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ سِرْكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمَبْنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَالْعَنْ

قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

ای پسر شیب! اگر دوست داری در غرفه‌های بنا شده در بهشت، با پیامبر و خاندانش علیهم السلام

باشی، قاتلان حسین علیه السلام را لعنت کن.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ سِرْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْ

مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»»

ای پسر شیب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که با حسین علیه السلام شهید شدند را

داشته باشی، هر گاه یاد آن حضرت کردی بگو: «یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزاً عظيماً». (یعنی

ای کاش من با آنان بودم تا به رستگاری بزرگ می‌رسیدم).

«يَا ابْنَ شَيْبٍ، إِنَّ سِرْكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنَ لِحُزْنِنَا وَافْرَحَ لِفَرَحِنَا وَ

عَلَيْكَ بَوْلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲

ای پسر شیب! اگر دوست داری در درجات بالای بهشت با ما باشی، برای حزن ما محزون و برای

شادی ما خوشحال باش و بر تو لازم است که دارای ولایت ما باشی. چرا که اگر مردی سنگی را

دوست داشته باشد، خدا در روز قیامت او را با آن سنگ محشور می‌کند.

^۲ - بحار الأنوار ۱۰۲/۹۸ ح ۳ و ۲۸۵/۴۴ ح ۲۳، به نقل از عیون أخبار الرضا علیه السلام و أمالی شیخ صدوق